

معنی جمله های مهم

- می گویند از هفت خان رستم گذشته است. ← کنایه از توانسته است مراحل دشواری را پشت سر بگذارد و به موفقیت برسد.
- دیوها را از پای در می آورد. ← کنایه از اینکه دیوها را نابود می کند.

تیلو محمودزاده

تهیه کننده

واژه ها

- خان: مرحله
- هفت خان: نام هفت مرحله از جنگ های رستم
- مرحله: قسمت
- اهریمن: دشمن، شیطان، کسی که منش پلیدی دارد.
- کیکاووس: پادشاه نادان و بی اراده ایرانی
- دیوان: جمع دیو، موجودات خیالی و ترسناک
- رهایی: آزادی
- بند: طناب، ریسمان، اسارت
- نبرد: جنگ
- رخس: اسم اسب رستم در لغت به معنی رنگ سرخ و سفید مخلوط شده است.
- زابلستان: نام شهری در استان سیستان و بلوچستان
- قوی پنجه: زورمند، توانا

واژه ها و جملات

- **کوفتن** : کوبیدن
- **سُم** : قسمت پایانی پای چارپایان که مانند کفش آن هاست
- **دیده** : چشم
- **رستم در خشم می شود** : رستم عصبانی و خشمگین می شود - در خشم شدن کنایه از عصبانی شدن است.
- **پرخاش** : سخنی که از روی خشم گفته می شود - درشتی
- **می نمایاند** : نشان می دهد
- **به تنگ می آید** : صبرش تمام می شود - خسته می شود
- **خروشید** : در اینجا شیهه کشید - فریاد زد
- **جوشید** : عصبانی شد
- **برکند** : جدا کرد
- **سهمگین** : ترسناک
- **تیغ** : شمشیر
- **بَر** : تَن - بدن
- **بدین سان** : به این گونه

ایات

خروشید و جوشید و برکند خاک ز سُمّش زمین شد همه، چاک چاک

- **معنی** : رخس شیهه کشید و خشمگین شد و برای آمادگی حمله، سُمّ خود را بر زمین کوبید به گونه ای که زمین زیر پایش کنده شد.
- **آرایه** : در این بیت آرایه ی مبالغه در خشم رخس به کار رفته است.
- **نکته ی دستوری** : بیت ۴ جمله دارد. «خاک» نقش مفعول را دارد.

بزد تیغ و بینداخت از بر، سرش فرو ریخت چون رود، خون از برش

- **معنی** : رستم با ضربه شمشیر سر اژدها را از تنش جدا کرد و خون مانند رود از تن او جاری شد.
- **آرایه** : تشبیه ← خون مشبه و رود مشبه به است/ در ریخته شدن خون مانند رود آرایه ی مبالغه به کار رفته است.
- **نکته ی دستوری** : در این بیت ۳ جمله به کار رفته است. / تیغ، سرش و خون مفعول هستند.

واژه ها و جملات

• **نیرنگ** : فریب - حيله

• **چيرگى** : پيروز شدن

• **کمند** : ريسمان محکمی که هنگام

جنگ آن را بر گردن و کمر دشمن

اندازند و آن ها را اسير کنند

• **خم کمند** : چين و شکن و دايره ای

که در اثر پرتاب کمند ايجاد می شود

• **به بند آوردن** : کنایه از اسير کردن

• **میان** : در اینجا کمر

• **خنجر** : شمشير کوچک

• **زو** : مخفف از او

• **بيم** : ترس

آیات

بينداخت چون باد، خم کمند سر جادو آورد ناگه به بند

• **معنی** : رستم طنابش را که به صورت حلقه آماده کرده بود به سرعت به سمت جادوگر انداخت و او را اسير کرد.

• **آرایه** : بينداخت چون باد ← تشبيه و مبالغه در سرعت انداختن طناب / سر به بند آوردن کنایه از اسير کردن

• **نکته ی دستوری** : بيت ۲ جمله دارد. / «خم کمند» و «سر جادو» نقش مفعول را دارد. / چون حرف اضافه است و باد نقش متمم را دارد.

تهيه کننده : ليلا

میانش به خنجر به دو نیم کرد دل جادوان، زو بر از بیم کرد

• **معنی** : رستم با خنجر جادوگر را نصف کرد و با این کار خود دل جادوگران دیگر را پر از وحشت و ترس کرد.

• **نکته ی دستوری** : بيت ۲ جمله دارد. / میانش مفعول / دل جادوان مفعول

واژه‌ها و جملات

• **چیرگی**: پیروز شدن

• **از پای در آوردن**: کنایه از کشتن

• **برانگیختن اسب**: یعنی اینکه اسب را به حرکت در آورد

• **بدو تاخت**: به طرف او حرکت کرد.

• **آذرگشسب**: آتش سریع و سوزان

• **یال**: موهای بلند پشت گردن اسب

• **به کردار**: مانند

• **دلیر**: شجاع - در اینجا منظور رستم است.

• **به کردار**: مانند

ابیات

چو رستم بیدش بر انگیخت اسب بدو تاخت مانند آذر گُشسب

• **معنی**: هنگامی که رستم او (ارژنگ دیو) را دید با اسبش مانند آتش تیز و سوزان، تند و سریع به سوی او حمله کرد.

• **آرایه**: تشبیه ← رستم = مشبه / آذرگشسب = مشبه به / تاختن مانند آذر گشسب = کنایه و مبالغه از تند و سریع حرکت کردن

• **نکته ی دستوری**: بیت ۳ جمله دارد و «چو» به معنای زمانی که است.

سر و گوش بگرفت و یالش دلیر سر از تن بکنش به کردار شیر

• **معنی**: رستم شجاعانه سر و گوش و موهای ارژنگ دیو را گرفت و مانند شیر با شجاعت سرش را از تنش جدا کرد.

• **آرایه**: به کردار شیر = تشبیه ← رستم = مشبه / شیر = مشبه به /

• **نکته ی دستوری**: بیت ۲ جمله دارد/ کلمات سر، گوش و یال مفعول هستند./ کلمه ی دلیر در نقش نهاد است.

تعبیه کنند: یال محمودزاده

واژه‌ها و جملات

- **ستایش** : شکر و سپاس
- **یزدان** : آفریدگار - خداوند
- **ز بهر** : برای
- **نیایش** : دعا - عبادت
- **بجست** : جست و جو کرد
- **پرستش** : عبادت
- **کای** : مخفف که ای
- **داور** : قاضی - آن که حکم می کند - در اینجا منظور خداوند است
- **دادگر** : برقرار کننده عدالت - عادل
- **گرد** : پهلوان
- **دستگاه** : در اینجا عظمت و قدرت و توانایی

آیات

ز بهر نیایش، سر و تن بشست یکی پاک جای پرستش بجست

- **معنی**: برای انجام عبادت سر و تن خود را شست و به دنبال جایی پاک و تمیز برای راز و نیاز گشت.
- **نکته ی دستوری**: بیت ۲ جمله دارد/ «ز بهر» به معنای برای بوده و نیایش نقش متمم دارد. /سر و تن مفعول هستند.

از آن پس نهاد از بر خاک، سر چینی گفت : کای داور دادگر!

- **معنی**: سپس سر بر خاک سجده گذاشت و گفت ای پروردگار عادل!
- **آرایه**: سر به خاک نهادن کنایه از فروتنی و فرمانبرداری کردن است.
- **نکته ی دستوری**: بیت ۳ جمله داد /داور دادگر* ترکیب وصفی است و نقش منادا را دارد.

ز هر بد، تویی بندگان را پناه تو دادی مرا، گردی و دستگاه

- **معنی**: در برابر هر بدی و آسیبی تو برای بندگان پناه هستی و تو هستی که به من پهلوانی و شکوه و عظمت دادی.
- **نکته ی دستوری**: بیت ۲ جمله دارد/«کلمه ی «را» در مصرع اول به معنی «به» می باشد و نشانه ی مفعولی نیست.

۲- اگر شما به جای یونس بودید در برابر پیشنهاد مهدی چه می‌کردید؟

جواب: همان روز اول پیشنهادش را قبول نمی‌کردم و سعی می‌کردم او را هم به مدرسه بیاوریم.

۳- به نظر شما چه عاملی باعث برگشت یونس به مدرسه شد؟

جواب: یونس به کمک دوستانش به مدرسه بازگشت و با رفتار مناسب معلم در کلاس پذیرفته شد و دوستان جدیدی پیدا کرد.

۴- با توجه به متن، جمله‌ها را به ترتیب رویدادها شماره گذاری کنید:

۳- مهدی به درس خواندن علاقه ی زیادی نداشت.

۱- یونس تازه از شیراز به تبریز آمده بود.

۶- تا اینکه یک روز هم کلاس یها یونس را به مدرسه برگرداندند.

۸- یونس تصمیم گرفت مهدی را نیز به مدرسه بازگرداند.

۲- زبان آنها را نمی‌دانست.

۷- معلم گفت: نتیجه‌ی به مدرسه نیامدن، عقب ماندن از هم کلاسی هاست.

۴- معلم از او خواست به مهدی کمک کند تا درس‌هایش را بهتر یاد بگیرد.

۵- آنها چند روزی به مدرسه نرفتند.

تهیه کننده: پیرا محمودزاده

۱- با مراجعه به کتابخانه، داستان دیگری از شاهنامه‌ی فردوسی انتخاب، و شخصیت‌های آن را مشخص کنید.

جواب: داستان: رستم و سهراب

شخصیت‌های داستان:

رستم: پهلوان ایرانی، همسر ته‌مینه، پدر سهراب

سهراب: پهلوان توران، فرزند رستم

افراسیاب: پادشاه توران

کیکاووس: پادشاه ایران

۲- به نظر شما انسان دانا چه ویژگی‌هایی دارد؟ در گروه درباره‌ی آن بحث کنید، و فهرستی از این ویژگی‌ها تهیه کنید.

جواب: ۲- قبل از انجام کاری به عاقبت آن فکر می‌کند.

۳- انسان دانا و راستگو است.

۴- انسان دانا خوش اخلاق است و با مردم رابطه‌ی خوبی دارد.

۳- از متن‌های این فصل چند جمله را انتخاب، و سپس نهاد و فعل آنها را مشخص کنید.

جواب: - من هم مانند شما موجودی زنده هستم

فعل

نهاد فعل نهاد

- دو کس رنج بیهوده بردند.

فعل

نهاد

تهیه کننده: بیلا محمودزاده

نگارش

برای موفقیت در زندگی، به نظرتان چه خان‌هایی
پیش رو دارید؟

یکی از لازمه‌های موفقیت در زندگی اجتماعی،
داشتن تحصیلات است. برای رسیدن به درجات
بالای علمی، خان‌های مختلفی پیش روی ما قرار
دارد که از همین امتحانات پایه ششم ابتدایی گرفته
تا کنکور و... ادامه خواهد داشت.

نگارش

یک نمونه مبالغه از متن درس ذکر کنید و آن را توضیح دهید.
یکی از مبالغه های درس هفت خان رستم کلاس ششم همین بیت سوال اول است:
ز سمش زمین شد همه چاک چاک: این یک مثال برای مبالغه هست زیرا اسب آنقدر
قدرت ندارد که با پاهایش زمین را تکه تکه کند بلکه شاعر قصد دارد قدرت اسب و
تلاش او را به رخ بکشد.

یک مثال دیگر برای مبالغه درس پنجم نگارش ششم ابتدایی:
فرو ریخت چون رود، خون از برش: این هم مبالغه است چون هیچ موجودی آنقدر
خون ندارد که باعث تشکیل رود بشود بلکه شاعر قصد داشته بزرگ بودن ازدها را
تصویرسازی کند.

کارگاه نویسندگی

۱) از پنجره ی کلاس به بیرون نگاه کنید و آنچه را می بینید در یک بند بنویسید.

از پنجره کلاس به بیرون نگاه کنید چه میبینید؟

پنجره ی کلاس ما دریچه ای است به روی یک دنیای کوچک، یک طرف را که نگاه کنی دانش آموزان کلاس اولی که هنوز با خانه جدیدشان (مدرسه) سازگار نشده اند و غرق در دنیای بچگانه ی خود هستند و در سمت دیگر حیاط، همکلاسی های ششمی من در حال پچ پچ و خندیدن با هم هستند. حیاط را با چمن مصنوعی زیبا کرده اند و دور تا دور آن نمیکت های است تا در صورت لزوم روی آن بنشینیم.

کارگاه نویسندگی

۲) چشمان خود را ببندید و حس خود را درباره ی صداهایی که می شنوید بنویسید. چشمانم را بسته ام و صدای گنجشک ها که روی درخت بزرگ حیاط ما در حال جیک جیک کردن هستند به گوشم می خورد. بعضی وقت ها فکر می کنم که گنجشک ها می خواهند چیز مهمی را به ما بگویند که اینگونه با شور و شوق آواز می خوانند. وقتی سکوت همه جا را فراگرفته صداهایی به گوشت می خورد که تاکنون به آن توجهی نمی کردی درست مثل تیک تیک ساعت. اکنون به گذر زمان بیشتر توجه می کنم؛ هر صدای ثانیه شمار ساعت به من می گوید که عمر در گذر است و باید از آن به خوبی استفاده کرد و شاد زیست.

کارگاه نویسندگی

۳) برداشت خود را از ضرب المثل نوش دارو بعد از مرگ
سهراب در یک بند بنویسید.

این ضرب المثل به ما می‌گوید که هرکاری تنها در زمان
خودش ارزش دارد و اگر کاری به موقع انجام نشود ممکن
است سودمندی خودش را از دست بدهد و فایده‌ای نداشته
باشد. درست مثل نوش دارویی که رستم پس از مرگ
سهراب تهیه کرد و دیگر سودی به حال فرزندش نداشت.

درک متن

ب) جاهای خالی را با امّا، ولی، بنابراین، و کامل کنید.
چند وقت پیش داستانی درباره ی خیر و شر خواندم. اینکه سال
ها پیش خیر و شر برای شنا کردن به دریا رفتند **امّا** شر زودتر از
آب بیرون آمده **و** لباس های خیر را پوشید. **بنابراین** خیر هم برای
اینکه برهنه نماند، مجبور شد لباس های شر را بپوشد. و حالا
سالهاست که آدمها خیر و شر را اشتباه می گیرند.

هنر و سرگرمی

جمله های نوشته شده را در جورچین زیر شماره گذاری کنید و داستان آن را بخوانید.

داستان به صورت مرتب شده:

عنوان داستان: **نگهبان کاروان**

۱. نگهبان کاروانی شب به خواب رفت.
۲. دزدان رسیدند و کاروان را غارت کردند.
۳. بامداد صاحبان مال دیدند که شتران و بار آنها ناپدید شده است.
۴. به پاسبان پرخاش کردند که چه پیش آمده است؟
۵. گفت: دزدان نقابدار کاروان را غارت کردند و مال مردم را به یغما بردند.
۶. گفتند: مگر تو سنگ بودی؟ چرا جلوی آن را نگرفتی؟
۷. گفت: تعداد آنها زیاد بود و من تنها بودم.
۸. گفتند: اگر نمی توانستی با آنها مبارزه کنی، باید فریاد و هیاهو می کردی تا بیدار شویم.
۹. گفت آن هنگام شمشیر کشیدند و گفتند اگر فریاد و هیاهو کنی تو را می کشیم.
۱۰. من نیز از ترس خاموش گشتم،
۱۱. اما اکنون هر قدر که بخواهید برایتان فریاد می کشم!